



گزارش چکیده پایان نامه / رساله
فارسی و انگلیسی



نام و نام خانوادگی دانشجو:	امید خزایی	رشته تحصیلی:	روابط بین الملل	مقطع تحصیلی:	دکتری	تاریخ دفاع:	۱۴۰۲/۰۴/۲۰
نام استاد راهنما	دکتر سعید میرترابی	نام استاد مشاور	۱-دکتر ارسلان قربانی ۲-دکتر علی منوری	نام استاد اساتید داور	۱-دکتر مسعود موسوی شفیعی ۲-دکتر غلامرضا کریمی ۳-دکتر مجید شریفی		
عنوان پایان نامه / ساله:	کمک خارجی چین و خیزش قدرت سیاسی و اقتصادی آن در هزاره جدید (۲۰۰۰-۲۰۲۲)						
بیان مسئله:	<p>چین در دو دهه‌ی هزاره جدید، به عنوان یک قدرت اقتصادی، در حال ظهور مطرح بوده و با استمرار نسبی رشد اقتصادی سریع خود، در رتبه دوم اقتصاد جهان قرار گرفته است. با توجه به این رشد و قدرت اقتصادی از سال ۲۰۰۰، چین به تدریج نقش مهمی در اقتصاد و سیاست منطقه‌ای و جهانی ایفا کرد. اقتصاد چین در سال ۲۰۰۲ از فرانسه، در سال ۲۰۰۶ از بریتانیا، در سال ۲۰۰۷ از آلمان و در سال ۲۰۱۰ از ژاپن پیشی گرفت و به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شد. در سال ۲۰۱۷، تولید ناخالص داخلی چین به ۱۲٫۲ تریلیون دلار رسید که تقریباً سه برابر تولید ناخالص داخلی ژاپن در این سال بوده است. چین در این سال‌ها، فعالانه درگیر ادغام، شکل‌گیری و عملیات اقتصادی منطقه‌ای برحسب رشد درصد تولید ناخالص داخلی خود بوده است (Soong, 2021: 1).</p> <p>چین در راستای برنامه‌های اقتصادی و سیاسی خود، همواره از ابزارهای مختلفی استفاده نموده که یکی از این ابزارها کمک‌های خارجی این کشور بوده است. چین طی سال‌های طولانی هم به عنوان دریافت‌کننده و هم اهداکننده کمک خارجی مطرح بوده است اما در دو دهه هزاره جدید به مدد رشد اقتصادی مداوم خود، به یکی از مهمترین و بزرگترین اهداکنندگان کمک خارجی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. در همین راستا، کمک‌های خارجی چین از سال ۲۰۰۰ به بعد به طرز چشمگیری افزایش داشته است.</p> <p>چین به عنوان یک قدرت در حال رشد، یک اهداکننده در حال ظهور شناخته می‌شود که تأثیر فزاینده‌ای بر رژیم کمک‌های بین‌المللی دارد. رشد چشمگیر کمک‌های خارجی چین به یکی از برجسته‌ترین پیشرفت‌ها در حوزه کمک‌های بین‌المللی در سال‌های گذشته تبدیل شده است و بحث‌هایی را در مورد پیوستن چین به معماری سنتی کمک خارجی یا تضعیف آن برانگیخته است. از سال ۲۰۰۰، کمک‌های خارجی چین ویژگی‌های جدیدی</p>						

را به نمایش گذاشته است. چین به طور پیوسته مقیاس کمک خارجی را افزایش داده و دامنه کمک‌های خارجی خود را گسترش بخشیده است.

از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، چین در سه دسته کمک‌های بلاعوض، وام‌های بدون بهره و وام‌های امتیازی، کمک‌های خود را به طیف گسترده‌ای از کشورها ارائه کرده است. دولت چین بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار به ۱۴۰ کشور و منطقه در آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، آمریکای لاتین و دریای کارائیب، خاورمیانه و اروپای مرکزی و شرقی در این مدت کمک خارجی ارائه کرده است. تامین مالی رسمی سالانه چین در حال حاضر با ایالات متحده رقابت می‌کند و در برخی کشورها، چین به بزرگترین منبع تامین مالی رسمی تبدیل شده است (Campbell et al, 2014).

رشد سریع کمک‌های خارجی چین در سرتاسر جهان، توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است. از یک سو شماری از تحلیل‌گران، افزایش کمک خارجی چین را گامی در راستای در هم شکستن سیطره نهادهای غربی ارائه‌کننده کمک بر رژیم بین‌المللی کمک خارجی تصور می‌کنند که می‌تواند گزینه‌های جدیدی را پیش روی کشورهای دریافت‌کننده این کمک‌ها در جهان در حال توسعه قرار دهد. به ویژه با عنایت به این نکته که چین کمک‌های خود را صورت غیرمشروط و بدون در نظر گرفتن ملاحظات خاص مربوط به حکمرانی داخلی کشورهای دریافت‌کننده ارائه می‌کند. در سوی دیگر عمدتاً در محافل غربی، نگاهی بدبینانه درباره انگیزه‌ها و پیامدهای روند فزاینده کمک‌های خارجی چین مطرح شده است. در همین راستا هشدار داده شده است که چین از برنامه کمک خارجی خود برای توسعه نفوذ در کشورهای دریافت‌کننده بهره‌برداری کرده و ضمن وابسته کردن این کشورها به جریان‌های مالی و تجاری خود عملاً در راستای نوعی استعمار نو گام برداشته است. کمک‌هایی که به گسترش فساد و تحکیم موقعیت نظام‌های اقتدارگرا در کشورهای دریافت‌کننده کمک خارجی منجر خواهد شد (Moisés, 2007)

واقعیت این است که هر یک از دیدگاه‌های مثبت و منفی درباره انگیزه‌ها و پیامدهای کمک خارجی چین استدلال‌ها و شواهد خود را مطرح کرده‌اند و این امر سبب شده است کمک خارجی چین همانند بسیاری دیگر از جنبه‌های ظهور این قدرت نوپا به عرصه‌ای برای مناقشه‌ها و بحث‌های طولانی و پایان‌ناپذیر در عرصه بین‌المللی تبدیل گردد. البته این پدیده در ارتباط با قدرتی که به سرعت در حال گسترش دسترسی‌ها و نفوذ جهانی خود است، چندان شگفت‌آور نیست. رساله حاضر نیز قصد ندارد پیامدهای کمک خارجی چین بر کشورهای دریافت‌کننده و رژیم بین‌المللی ارائه کمک خارجی را، بررسی کند بلکه؛ منظر نگاه پژوهشگر، ارائه چارچوبی برای شناخت و تحلیل برنامه کمک خارجی چین از منظر خود چین و با عنایت به نگاه ویژه چین به نظم بین‌المللی و جایگاهی است که چینی‌ها برای خود در این نظم بین‌المللی به موازات گسترش قدرت خود در نظر گرفته‌اند.

نکته‌ای که پژوهش حاضر بر آن تاکید دارد این است که درک ماهیت برنامه کمک خارجی چین، مستلزم درک و شناخت صحیح نگاه چین به نظم پیرامونی و بین‌المللی است. گزارش‌کنگره نوزدهم حزب کمونیست چین،

جدیدترین و جامع‌ترین بیانیه دستورالعمل‌های استراتژیک و سیاستی صادر شده توسط رهبری عالی چین را ارائه می‌دهد. محتوای گزارش این کنگره که در سال ۲۰۱۷ برگزار شد، حاوی دستورالعمل‌هایی است که هم حمایت از سیستم بین‌المللی و هم تمرکز فزاینده بر گسترش نفوذ چین در این سیستم را نشان می‌دهد. این گزارش همچنین بلندپروازی‌های چین را برای تبدیل شدن به یک قدرت پیشرو جهانی نشان می‌دهد. در این بیانیه آمده است که تا اواسط قرن حاضر، چین به دنبال تبدیل شدن به یک رهبر جهانی از نظر قدرت ترکیبی ملی و نفوذ بین‌المللی است. بر مبنای این گزارش چین «در اصلاح و توسعه سیستم حکمرانی جهانی مشارکت فعال خواهد داشت و به کمک خرد و قدرت چین در حکمرانی جهانی ادامه می‌دهد». همچنین اشاره شده است که چین قصد دارد شبکه‌ای از کشورهای حامی در سراسر جهان ایجاد کند که عمدتاً در بین کشورهای در حال توسعه است. در این گزارش همچنین آمده است که چین قصد دارد به دنبال «مشارکت باشد، نه اتحاد»، که در تفسیر کنگره نوزدهم، که در روزنامه رسمی حزب کمونیست چین، منتشر گردید، توضیح داده شد که چین به دنبال «تشکیل یک شبکه مشارکت جهانی» است. منابع چینی، شراکت‌ها را به عنوان روابط بسیار اخلاقی نشان می‌دهند که در آن چین به عنوان شریک با موقعیت بالاتر، منافع مالی و سایر منافع را اعطا می‌کند و در مقابل انتظار احترام و همکاری در مورد موضوعات حساس را دارد (Mazarr et al, 2018: 15-16).

براین اساس، رساله حاضر نقطه تمرکز خود را بر تحلیل پیوند میان خیزش قدرت چین در عرصه بین‌المللی و برنامه کمک خارجی این کشور قرار داده است و تلاش می‌کند از منظر نگاه چین به نظم بین‌المللی و موقعیتی که چینی‌ها در این نظم در حال تغییر برای خود در نظر گرفته‌اند، برنامه کمک خارجی این کشور را در ارتباط با خیزش قدرت آن تحلیل نماید. در همین راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که رهبران چین چگونه از برنامه کمک خارجی خود در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲، در راستای زمینه سازی برای خیزش قدرت سیاسی و اقتصادی این کشور در عرصه بین‌المللی بهره گرفته‌اند؟

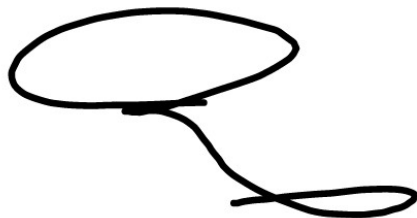
روش استفاده شده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که در زمره پژوهش‌های تبیینی قرار می‌گیرد. در این روش علاوه بر تحلیل موضوعی داده‌ها سعی شده است تا با توصیف نزدیک به واقعیت، مسئله کمک‌های خارجی چین مورد بررسی قرار گیرد. همچنین با توجه به اهداف پژوهش، باید گفت که این اثر در قالب پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد که می‌توان برای دستگاه سیاست خارجی ایران نیز بسیار مفید واقع گردد. در بخش توصیفی، داده‌های مربوط به نوع نگاه چین به نظم بین‌المللی، مختصات برنامه‌های کمک خارجی چین و ارگان‌های ارائه‌کننده کمک خارجی و مسائلی از این دست مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش تحلیلی نیز پیوند میان نوع نگاه چین به نظم بین‌المللی و شیوه به کارگیری کمک خارجی در راستای دستیابی به اهداف مطلوب در این حوزه مد نظر قرار داد.

روش پژوهش:

<p>سؤال و فرضیه تحقیق:</p>	<p>سؤال اصلی</p> <p>دولت چین چگونه از برنامه کمک خارجی در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ در راستای خیزش قدرت سیاسی و اقتصادی بین المللی خود بهره گرفته است؟</p> <p>فرضیه پژوهش</p> <p>پاسخی که به عنوان فرضیه مورد آزمون قرار گرفته این است که « دولت چین در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ بر مبنای نگاه ویژه خود به نظم بین المللی و از طریق گسترش کمی و توسل به روش های نوین و متفاوت ارائه کمک خارجی، تلاش کرده است از کمک خارجی به عنوان ابزاری در راستای خیزش قدرت سیاسی و اقتصادی خود در عرصه بین المللی و ایجاد یک جامعه هماهنگ با محوریت چین گام بردارد».</p>
<p>روند پژوهش:</p>	<p>پژوهش حاضر علاوه بر مقدمه و نتیجه گیری در برگیرنده چهار فصل می باشد. فصل اول به چارچوب نظری تحقیق درباره کمک خارجی پرداخته و مفهوم کمک خارجی را در قرائت واقع گرایانه آن مورد بررسی قرار داده است. این فصل به رویکردهای واقع گرا، لیبرالی، سازه انگاری و ساختارگرا درباره کمک خارجی اشاره می کند و سپس تلاش می کند نگاه چینی به کمک خارجی را با بهره گیری از دیدگاه های نظری رئالیسم اخلاقی چین و نظریه تیانشیا تبیین نماید. در نهایت یک الگو از کمک خارجی به صورت دو و چندجانبه و بین المللی که هر کدام از این جنبه ها دارای اهداف سیاسی، اقتصادی است، ارائه می شود.</p> <p>فصل دوم به بررسی ساختار، روند و ماهیت کمک های خارجی چین پرداخته می شود و همچنین نظریات موافقان و مخالفان در ارائه کمک خارجی از سوی چین نیز در این فصل مورد بررسی قرار می گیرد و متغیرهای میانجی افزایش کمی کمک خارجی و توسل به روش های نوین در ارائه کمک از سوی چین هم بررسی می گردد تا ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته روشن گردد. فصل سوم به بررسی اهداف اقتصادی چین در ارائه کمک خارجی می پردازد که با توجه به فصل نظری که به یک مدل نظری در ارائه کمک منتهی گردید، اهداف سیاسی کمک خارجی چین هم در قالب همان مدل به صورت اهداف در قالب کمک های دو و چندجانبه و اهداف در قالب کمک های بین المللی بررسی شده است. فصل چهارم، به بررسی تاثیر کمک خارجی در خیزش قدرت سیاسی چین در قالب شاخص های تعیین شده در الگوی نظری پرداخته است. این فصل هم مشابه فصل قبل، چگونگی پیگیری اهداف دولت چین در عرصه های اقتصادی را در قالب کمک های دو و چندجانبه و بین المللی نشان داده است. در نتیجه گیری نیز جمع بندی مطالب هر فصل ارائه شده و یافته های حاصل از آزمون فرضیه نشان داده شده است.</p>
<p>مهمترین یافته ها :</p>	<p>به طور کلی، چینی ها از الگوها و روش های خاص، پیچیده و بعضا مبهم در زمینه ارائه کمک های خارجی خود بهره می گیرند. این موضوع سبب مطرح شدن دیدگاه های مختلف و بعضا متضادی درباره کم و کیف و ماهیت کمک های خارجی چین از سوی ناظران مختلف گردید. پژوهش حاضر با مرور دیدگاه های مختلف در این زمینه،</p>

تصویری روشن و متوازن و هدفمند از برنامه کمک خارجی چین ارائه و به ویژه شیوه پیوند این کمک‌ها را با اهداف سیاست خارجی و اقتصادی پکن در راستای خیزش قدرت بین‌المللی آن روشن می‌نماید. بهره‌گیری از نگاه ویژه چین به نظم بین‌المللی و کاربرد آن در تحلیل نگاه ابزاری چین به کمک خارجی در راستای دستیابی به جایگاه مطلوب در نظم بین‌المللی، مهمترین یافته پژوهش حاضر است.

تائید استاد راهنما

A handwritten signature in black ink, consisting of a large, stylized loop at the top and a smaller loop at the bottom, connected by a thin line.